

# تکنیک گیتار

(دوره متوسطه و دوره پیشرفته)

هکتور کوآین

کیوان میرهادی



نشر تصنیف

Quine, Hector

کواين، هكتور

تکنیک گیتار (دوره متوسطه و دوره پیشرفته) / هکتور کواين؛  
[ترجمه] کيوآن ميرهادی. — تهران: تصنيف، ۱۳۸۴.  
۱۴۶ ص. : مصور. پارتيسيون.

ISBN 964-7975-04-x

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فييا.

عنوان اصلی:

Guitar technique intermediate to advanced: 1990.

۱. گیتار — آموزش. الف. ميرهادی، کيوآن. — ۱۳۳۸. مترجم.

ب. عنوان.

۷۸۷ / ۸۷۱۹۳

ت. ۵۸۰ / ک. ۹۹ MT

۱۳۸۴

۸۴-۳۰۶۱۴

کتابخانه ملی ايران



فمشر تصنیف با همکاری آموزشگاه موسیقی هم آوازان

نشر تصنیف: خیابان بهارستان - جنب بیمارستان طرفه - شماره ۱۴۲

تلفن: ۷۷۶۴۷۱۴۲ - ۷۷۵۳۶۵۷۱ - ۷۷۵۳۵۸۳۴

آموزشگاه موسیقی هم آوازان تلفن: ۷۷۵۳۲۹۷۳ - ۷۷۵۱۳۷۱۵

تایپ: روشنگ شاه محمدی نت نویسی: حمید شمیرانی صفحه آرای: اجرا و

طراحی جلد: هامان قدسی رانی

چاپ اول: ۱۳۸۴ چاپ: شفق لیتوگرافی: سیب

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰ ریال

پخش اورنگ

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می باشد.

## فهرست

|    |                                |
|----|--------------------------------|
| ۶  | ۱. مقدمه                       |
| ۱۰ | ۲. فیزیولوژی تکنیک             |
| ۱۴ | ۳. وضعیت نشستن و گرفتن ساز     |
| ۲۰ | ۴. دست و بازوی راست            |
| ۲۳ | ۴-۱. حرکت انگشتان              |
| ۲۷ | ۴-۲. ساختن صدا                 |
| ۳۹ | ۴-۳. انگشت شست                 |
| ۴۲ | ۴-۴. بعضی از اشتباهات دست راست |
| ۴۴ | ۴-۵. خفه کردن صدا (دمپینگ)     |
| ۴۵ | ۴-۶. نواختن آکوردها            |
| ۵۵ | ۵. دست و بازوی چپ              |
| ۶۴ | ۵-۱. شیوه حرکت انگشتان         |
| ۶۷ | ۵-۲. تعویض وضعیت               |
| ۷۲ | ۵-۳. آکوردهایی                 |
| ۷۹ | ۵-۴. انقباض و انقباض دست چپ    |
| ۸۱ | ۵-۵. باره و نیم باره           |
| ۸۴ | ۵-۶. پیوستگی اجرا              |
| ۸۸ | ۶. هماهنگی                     |

|     |                                               |
|-----|-----------------------------------------------|
| ۹۱  | ۷. تکنیک‌های تفسیر موسیقی                     |
| ۹۲  | ۷-۱. جمله‌پردازی و آرتیکولاسیون               |
| ۹۷  | ۷-۲. ریتم و سرعت                              |
| ۱۰۱ | ۷-۳. صدا و دینامیک صدا                        |
| ۱۰۳ | ۷-۴. طنین، رنگ و وسعت صدا (رجیستر)            |
| ۱۰۶ | ۸. تمرین روزانه                               |
| ۱۱۲ | ۹. نتیجه‌گیری                                 |
|     | پیوست اول: آهنگسازی برای گیتار - گفتارهایی از |
| ۱۱۴ | آهنگسازی که خود گیتاریست نیست. (استفن داجسون) |
| ۱۲۹ | پیوست دوم: رپرتوار                            |

## ۱. مقدمه

نگارش هر کتابی با عنوان «تکنیک گیتار» نیازمند تعریف کلمه تکنیک است زیرا این عنوان بارها یا به نحو غلط به کار رفته یا اینکه باعث سوء تفاهم شده است. شاید شنیده باشید که می‌گویند فلان نوازنده گیتار «تکنیک خوبی» دارد؛ معنی این حرف آن است که یا انگشتانی چالاک و ماهر دارد یا دارای توان خاصی در اجرای قطعه مشکل و معروفی است و معمولاً این اجرا کمی از سرعت واقعی که لازمه پیوستگی موسیقایی است فراتر می‌رود.

بتهوون در خصوص چنین ویرتنوزهایی<sup>(۱)</sup> می‌گوید: «تمام عقل و احساس این گروه از نوازندگان تکنیکی فدای تردستی انگشتان می‌شود.» یک قرن پیش از بتهوون، آهنگساز بزرگ دیگری به نام کوپرن درست همین‌گونه تفسیر می‌کند اما با بیانی دیگر، او می‌گوید: «با تمام وجود می‌گویم می‌خواهم قطعه مرا به حرکت و هیجان وا دارد تا اینکه مبهوتم کند.»

پس تکنیک از لحاظ معنی صحیح لغوی نه به معنای آن کشمکش پرکار و طولانی مثل صعود از کوه است و نه مسابقه‌ای ورزشی با نوازنده‌ای معروف به قصد نرم‌تر یا سریع‌تر نواختن پاساژی. در این میان پر واضح است که به احساس موسیقایی نیز توجهی نشده است.

اساساً، تکنیک یعنی کنترل: کنترل طنین<sup>(۲)</sup>، صدا، ریتم و سرعت، لگاتو<sup>(۳)</sup> و استاکاتو<sup>(۴)</sup>، دینامیسم و وسعت (رجیستر صدا)، جمله‌بندی<sup>(۵)</sup> و آرتیکولاسیون<sup>(۶)</sup>.

پس کنترل، همیشه به طور خودآگاه توسط هوش موسیقایی هدایت می‌شود و چنین کنترلی بر جزئیات اجرا از ملزومات یک قطعه است؛ خواه این قطعه بلند باشد یا کوتاه، آسان باشد یا سخت، با سرعت تند نواخته شود یا کند فرقی نمی‌کند. تسلط کامل بر یک قطعه می‌نماید که نوازنده به درجه‌ای رفیع از تکامل رسیده و تکنیک اساسی که به منزله شالوده حسن موسیقایی واقعی می‌باشد را داراست.

تکنیک هیچگاه پایان راه نیست اما وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف نهایی. از سوی دیگر تمرین‌های نوازندگی اعمالی هستند که از ذهن شروع می‌شوند؛ تمرین‌های روزانه ماشینی و بی‌فکر، روند عقیم و اشتباهی است که اگر نگوییم هرگز اما به سختی تأثیرات سوء بعدی‌شان از ذهن پاک می‌شود.

هدف اصلی من در کتاب حاضر شرح اصولی است که متضمن بهترین شیوه‌های نوازندگی گیتار باشد و در عین حال توضیح دلایل حامی اصول نیز هست. این کتاب «متد» نیست. (کلمه‌ای که بدون هیچ توضیح و دلیلی به طور دائم استفاده می‌شود) بطور کلی سعی بر این است که به متد، به عنوان راهنمای عملی و ضروری کار نگریسته شود. پس متد سوای تئوری‌های «علمی»‌ای است که امروزه سخت به چشم نوازندگان گیتار عجیب و نامربوط می‌نماید.

نیز، کوشیده‌ام از شیوه کلامی غیر عملی و تخیلی قرن نوزدهمی که بعضی از نویسندگان کتاب‌های گیتار به آن معتادند دوری گزینم.

اما توضیح صاف و ساده هر چیزی اغلب نیازمند پاسخ‌گویی است، برای مثال می‌گوییم: «آلبته واضح و مبرهن است و همه می‌دانند که ...» اما این «همه می‌دانند» نیز خود جای سؤال دارد و بعید است فکری بر انگیزاند یا به نتایج منظم ختم شود. به عبارت دیگر هر چیزی به طور ناگهانی به هنگام وقوع واضح و روشن است، حتی اسحاق نیوتن که دانشمندی با درجه هوشی بالا بود در اصل به وجود جاذبه شک نکرده بود تا اینکه سیمی به سرش اصابت کرد! باز دور از عقل است که بپذیریم جاذبه زمین چنین پدیده دمدستی

و آسانی باشد که بتوان آن را از ورای سپیده دم تاریخ شناخت و درک کرد، با این وجود بدیهی است که توضیح دقیق یک پدیده به روشن شدن آن کمک می‌کند، افزون بر این که با وجود توضیحات موشکافانه و واضح بازهم محدود کسانی یافت می‌شوند که بتوانند مانند نیوتن از طریق حدسیات و منطق به جوابی برسند که او رسید.

این امر در مورد گیتار و تکنیک آن نیز درست است چه اکثر گیتاریست‌ها بر این باورند که روش شخصی آنان صحیح‌ترین است. چنین خود بزرگ‌بینی روزافزونی دلیل کافی و روشن توجیه پدیده «خود آموختگی» نزد این افراد است. شاید منطق آن قاضی که با لحنی خشک گفت: «وکیل مدافعی که از ظن خود دفاع می‌کند موکل خود را احق پنداشته!» گیتاریست‌های خود آموخته را کافی باشد.

جالب است که نوازندگی اکثر گیتاریست‌های معروف این قرن به چشم موسیقیدانان غیر گیتاریست عجیب و به طور کامل جدا از سنت پدیدار گشته است. مثلاً آقای به نام دکتر جانسون نقل قولی دارد به این مضمون: «در زمانی نه چندان دور موسیقیدانانی که گیتار می‌نواختند به سگی تشبیه می‌شدند که روی دو پای عقبی خود راه می‌روند. البته سگ به خوبی نمی‌تواند راه برود ولی تعجب دارد که به واقع راه می‌رود!»

اما زمانه عوض شده و اگر نگوییم همه، ولی اغلب گیتاریست‌های معاصر به این تشخیص رسیده‌اند که مانند موسیقیدانان گذشته باید لیاقت و پختگی موسیقایی خویش را به حد استاندارد مورد نظر برسانند. امیدوارم این کتاب گام بر پله‌ای بالاتر باشد. تمرکز بحث‌های کتاب بر هنرجویان بالاتر از سطوح ابتدایی و تازه کار است اما گیتاریست‌های باتجربه‌تر درخواهند یافت که مواد تحلیلی و بحث برانگیز تأثیری مثبت و محرک بر تفکر داشته و آنان را وادار می‌دارد تا با بازنگری تکنیک‌های خود به تکمیل و توسعه اجرا پرداخته و از طریق اصول تکنیکی روشن و واضح به این مهم دست یابند.